

کابینه
شرکت سهامی عام نیست

فرزاد نعمتی

پژوهشگر علوم سیاسی

این روزها همه منتظر معرفی کابینه اول پزشکیان هستند و روزی نیست که در این زمینه اظهار نظری نشود. این میان حرف‌های عجیب هم کم نیست. نمونه‌ای از این حرف‌ها، همان سخن همیشگی استفاده از تمام ظرفیت‌های سیاسی در کشور است که گویندگان آن بیشتر از این سخن حق، آن مراد باطل را می‌گویند که هر طور شده تعدادی از نیروهایی که نه به پزشکیان رأی دادند، نه به برنامه او اعتقادی دارند، در کابینه بگذارند. در واقع این سخن را بیشتر اصولگرایانی مطرح می‌کنند که تجربه دولتمداری خودشان نشان می‌دهد وقتی بر سر کار می‌آیند، اعتقادی به استفاده از نیروهای میانه‌رو، اصلاح طلب و حتی برخی از اصولگرایان منتقد ندارند. فراتر از آن، حتی استانداردهای کارشناسانه وزارت را نیز می‌توانند به طرفه‌العینی پای محاسبات سیاسی قربانی کنند. آخر و عاقبت این منش‌شان را هم که یادمان نرفته. حسن ختام رزومه وزیر آموزش و پرورش دولت قبلی «صعود به قله دماوند و توفیق حضور در راهپیمایی اربعین» بود. چون او هم کم نبود. از وزیری که می‌گفت با یک میلیون تومان می‌شود شغل ایجاد کرد تا وزیری که الان یک پایش در دادگاه است. کار به جایی کشید که دولت سیزدهم شد رکورددار خودترمیمی کابینه. بگذریم. خدا رحمت کند عماد افروغ را. موقع معرفی کابینه اول احمدی‌نژاد کلی فریاد زد که نمایندگان بزرگوار، سخت بگیرید بر رئیس جمهور و اجازه ندهید کابینه‌ای ضعیف شکل بگیرد. نام این کنش خود را گذاشته بود «نقد درون گفتگویی». الحق و انصاف هم پای کار ایستاد و به قیمت رنجش برخی از رفقای هم‌حزبی، جلوی وزارت برخی از افراد غیر متخصص را گرفت. می‌گفت، ما حاضریم پشت سر برخی از این آقایان نماز هم بخوانیم ولی حاضر نمی‌شویم وزارتخانه را به آنها بسپاریم. بر برخی مداخلات می‌کردند و می‌گفتند حالا یک سال با این وزرا می‌گذرانیم و اگر قدرت مدیریت نداشتند، آنها را عوض می‌کنیم. باز افروغ می‌گفت: یک روز هم زیاد است. منطق افروغ در مواردی خوشبختانه کارگر شد و او با همراهی جمعی از نمایندگان مجلس هفتم موفق شد از وزارت برخی افراد غیر متخصص ممانعت کند. این دعوی «تعهد» و «تخصص» البته دعویایی قدیمی است و از همان آغاز انقلاب مایه اختلاف شده بود. کار به جایی کشید که در سال ۱۳۵۸، مناظره‌ای میان مهندس بازرگان و دکتر بهشتی با عنوان «تخصص بالاتر است یا تعهد و تقوا؟» در گرفت. بهشتی به تعهد اولویت می‌داد و بازرگان به تخصص. میانه بحث بازرگان به بهشتی گفت، آیا حاضر است خانواده خود را اسوار اتوبوس رانده‌ای بکند که منقی و متدین اما تازه کار است؛ در حالی که راننده‌ای در دسترس است که جاده را مثل کف دست می‌شناسد اما اهل معصیت است؟ بهشتی البته تا امل تأمل و تدقیق نداشت، به همین دلیل بعد از مکثی طولانی می‌گوید: آقا من دیگه صحبتی ندارم. بعدتر این سخن مهندس چمران به گمانم حجت را تمام کرد: «تقوا بالاتر است ولی اگر کسی تخصص کاری را نداشته باشد و منصبی را قبول کند، قطعاً انسان «بی‌تقوایی» است.» حالا اما جدا از تعهد و تخصص باید معیار «تخریب» را هم به این مناقشه افزود. آخر اصلاً انتخابات وقتی واقعی و رقابتی است که میان آرای کاندیدها تفاوت‌های معنادار در زمینه‌های سیاسی، بین المللی، فرهنگی و اقتصادی وجود داشته باشد و این یعنی با انتخاب هر نامزدی، ملتی مسیری متفاوت را خواهد پیمود. در مثل مناقشه نیست اما شما اینگونه فرض بکنید که با پزشکیان قرار است پرویم تبریز و یا جلیلی می‌رسیم به مشهد. اگر مردم به نامزدی اقبال بیشتری نشان دادند و او شد رئیس جمهور کشور، باید به او اجازه داد رانندگان این مسیر و یارانش را نیز خود بگزینند؛ کسانی که هم چشم‌اندازهای مشابه، هم تخصص و هم سابقه همکاری داشته باشند. این سابقه همکاری را دست کم نگیرید. در سیاست، گروه و تیم و حزب مهم است. ایده‌های تخصصی را تیم‌های همراه می‌توانند اجرا کنند؛ کسانی که به هم اعتماد داشته باشند و گاهی بدون سخن گفتن، سر باطن هم‌راهنما شوند. به قول فوتبالی‌ها، با چشم بسته همدیگر را در زمین پیدا بکنند. مخلص کلام کابینه شرکت سهامی عام نیست. به رئیس جمهور اختیار بدهیم و بعد از او مطالبه‌گری کنیم. اگر اجازه ندهیم کابینه مطلوبش را بچیند، بعدتر پاسخگو نیز نخواهد بود و می‌گوید وزیرانم تحمیلی بودند. بله نباید سر تخصص وزرا کوتاه آمد، اما حزب هم معیاری عقلانی است که جهان مدرن بدون تعارف و بی‌حرف اضافی، بر مدار آن می‌چرخد. پس شاید بد نباشد به این ترتیب هم فکر کنیم: اول تخصص، دوم تعهد و سوم تعهد.

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی • مشاوران: عباس عدی و احمدزید آبادی، سردبیر: محمدجواد روح، سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیبه دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد)، آرمن منتظری (دیپلماسی و بین الملل)، علی ورامینی (رسانه و فرهنگ)، سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس) • هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • شبنم رحمتی (معاون آنلاین) • مدیر هنری: مهدی قربانی تبار • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیراداری و آگهی‌ها: شاه‌رخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۵۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۰۲۹ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



سرخابی‌های بی خانمان

کمتر از ۲ هفته دیگر مسابقات لیگ برتر آغاز می‌شود
اما هنوز وضعیت ورزشگاه خانگی پرسپولیس و استقلال مشخص نیست



سپهر خرمی

خبرنگار ورزشی هم‌میهن

▼ **چمن و سکوهای بی کیفیت ورزشگاه تختی**
یکی از موارد مهمی که متأسفانه به آن اشاره نشده این است که ورزشگاه تختی سال‌هاست به‌طور متمرکز میزبان هیچ مسابقه فوتبال نبوده است. طی ۲۰ سال اخیر تعداد مسابقات رسمی فوتبال که در این ورزشگاه انجام شده به انگشتان دو دست هم نمی‌رسد، چراکه همیشه آزادی میزبان سرخابی‌ها در تهران بوده است. تصاویر منتشر شده از چمن این ورزشگاه نشان می‌دهد، سلامت بازیکنان و داوران برای دویدن روی این چمن کاملاً در خطر است. رفتی در این باره چنین توضیح می‌دهد: «معاون فنی اداره کل تهران گفته از چمن خزانه ورزشگاه آزادی، قرار شد چمن جدیدی خریداری شود تا به بخش‌هایی که در ورزشگاه تختی خراب است چمن‌های جدید را وصله کنند». داوود رفتی در بخش دیگری از صحبت‌هایش به دفاع از مصاحبه‌های قبلی پرداخت و گفت: «بله من گفته بودم روییدن علف روی سکوهای تختی اصلاً موضوع عجیبی نیست چراکه در حیاط منازل هم ممکن است علف رشد کند. کندن این علف‌ها از روی سکوهای ورزشگاه تختی زمان بسیار کمی می‌برد و مشکلی نیست». این در حالی است که این یک قیاس مع الفارق است؛ چراکه قرار نیست در حیاط منازل مسکونی مسابقات فوتبال لیگ برتر برگزار شود و ۲۰ هزار نفر تماشاگر مستقر شوند. اینکه کنار سکوهای یک ورزشگاه علف هرز رشد می‌کند نشان از متروکه بودن این ورزشگاه دارد که آماده‌ی برگزاری مسابقات لیگ برتر در سطح بین‌المللی نیست. ضمن اینکه براساس آنچه داوود رفتی در این گفت‌وگو اعلام کرد در حال حاضر چمن ورزشگاه تختی دچار چارچ‌زدگی شده و بخش زیادی از این چمن باید عوض شود.

▼ **پشت پرده‌ای که مخفی ماند؟**

یکی از شایعاتی که در خصوص تغییر ورزشگاه آزادی به تختی شنیده می‌شود این است که به‌دلیل آماده نشدن سیستم ویدئوچک در ورزشگاه آزادی، این تغییر یا نقل مکان رخ داده تا در واقع زمان بیشتری خریداری شود تا در نهایت سیستم VAR به مسابقات رسمی در ورزشگاه آزادی برسد. داوود رفتی اما این موضوع را قویار می‌کند: «آمدن وی‌آر که تا کیدویزه فیفاست فقط برای استادیوم آزادی نیست، بلکه الزام به همه‌ی ورزشگاه‌هاست. اینطور نیست که ما خواهیم برای ورزشگاه آزادی زمان خریدیم تا این سیستم و دستگاه آماده شوند. نکته مهمی که وجود دارد این است که در نهایت باید اعلام کنیم کلان‌شهری مثل تهران نیازمند دو ورزشگاه استاندارد است تا در شرایط لزوم، به چنین مسئله‌ای برخورد نکنیم».

▼ **تلنگری که زده نمی‌شود**

درست در روزهایی که عربستان در آستانه دریافت میزبانی رسمی جام جهانی ۲۰۳۴ قرار دارد و کشور قطر با جمعیت یک‌میلیون نفری، دو سال قبل توانست میزبانی جام جهانی و سال گذشته میزبانی جام ملت‌های آسیا را بگیرد و در ورزشگاه‌های پنج‌ستاره مسابقات را به پایان برساند، دو تیم پرهوادار پرسپولیس و استقلال هنوز یک ورزشگاه ندارند که بتوانند مسابقات خود را میزبانی کنند. ورزشگاه شهر قدس براساس آنچه داوود رفتی در این گفت‌وگو اعلام کرد شرایط برگزاری مسابقات پرسپولیس و استقلال را ندارد. همچنین ورزشگاه پاس قوامین نیز در صورتی مجوز می‌گیرد که تمام مسابقات بدون تماشاگر برگزار شود که به مدت یک فصل اصلاً میسر نیست. از سوی ورزشگاه امام رضای شهر مشهد نیز تویحاً اعلام شد، اجازه میزبانی به پرسپولیس و استقلال داده نمی‌شود. البته که به‌دلیل ممنوعیت حضور زنان در این ورزشگاه حتی اگر مجوز هم صادر شود، به‌سود فوتبال ایران نیست که بدون حضور زنان مسابقات پرسپولیس و استقلال در آنجا انجام شود؛ چون فیفا این بار در خصوص این موضوع کاملاً پیگیر است و محرومیت احتمالی برای فوتبال ایران در پی خواهد داشت. فاصله بین حرف و عمل بسیار است. در حرف از «میزبانی جام ملت‌ها» در ایران می‌گوییم، اما حتی یک ورزشگاه استاندارد وجود ندارد که سرخابی‌ها بتوانند برای یک فصل و نه حتی همیشه در آنجا از رقابتی خود میزبانی کنند.

چهره

پدر جاوید کاریکلماتور



پرویز شاپور پنجم خردادماه ۱۳۰۲ در قم به دنیا آمد. او مراحل تحصیل خود را تا دیپلم در مدارس تهران گذراند، سپس در رشته اقتصاد قبول شد و لیسانس خود را از دانشگاه تهران گرفت. او در سال ۱۳۲۹ با فروغ فرخزاد ازدواج کرد. نام شاپور به‌عنوان نویسنده و طراحی ایرانی با عنوان گونه ادبی مختصر و مفیدی به‌نام کاریکلماتور پیوند خورده است؛ نوشته‌های کوتاه یک یا دوجمله‌ای و اغلب طنزآمیز که ظرافت و دیدی شاعرانه دارند. کاریکلماتور، نوشته‌های کوتاه و بیشتر تک‌جمله‌ای است که با ظرافت و دیدی شاعرانه و طنزآمیز نوشته می‌شوند. این هنرمند خوش ذوق پس از ۷۶ سال زندگی و طی یک‌دوره بیماری در ۱۵ مردادماه ۱۳۷۸ درگذشت. سیدحسن حسینی در دفتر یادبود ختم شاپور نوشت: «پرویز شاپور یک نسل کامل، موج‌زنوبسی، نکته‌یابی و ظریف‌اندیشی را تعلیم داد. بی‌سروصدا زیست و بی‌سروصدا رفت، اما از آن تنها صداهاست که می‌ماند.»

کتابخانه

سخنرانی‌های برتر اند راسل

برتراند آرتور ویلیام راسل، اِرل راسل سوم، معروف به برتراند راسل، فیلسوف قرن بیستمی بریتانیایی است. راسل از بنیان‌گذاران سنت مدرن تحلیلی، برنده جایزه صلح نوبل، فعال ضد جنگ و مخالف امپریالیسم بود. عمده شهرت او علاوه بر فلسفه به‌دلیل فعالیت‌های سیاسی صلح‌طلبانه‌اش بود. از آثار مطرحی از جمله «مسائل فلسفه»، «تحلیل ذهن» و «شرح انتقادی فلسفه‌ی لایبنیتس» به‌جا مانده است. کتاب «مرجع قدرت و فرد»، متن شش سخنرانی راسل در سال‌های ۱۹۴۸-۱۹۴۹ است که از شبکه بی‌بی‌سی پخش شدند. این سخنرانی‌ها در رابطه با سازش میان مرجع قدرت و آزادی فردی است که در قالب بحثی روانشناختی در باره‌ی سرچشمه‌های کنش اجتماعی، مروری تاریخی بر دامنه و شدت نظارت دولتی و بیان نقش فرد در تاریخ هنر، علم، دین و اخلاق مطرح می‌شود. کتاب «مرجع قدرت و فرد» نوشته‌ی برتراند راسل، با ترجمه‌ی منصور مشکین‌پوش، در ۱۴۱ صفحه، با قیمت ۱۴۵ هزار تومان توسط انتشارات نیلوفر منتشر شده است.



مرجع قدرت و فرد
نویسنده:

برتراند راسل

مترجم:

منصور مشکین‌پوش

انتشارات: نیلوفر

تاریخ

بمباران اتمی هیروشیما



در ششم آگوست ۱۹۴۵ (۱۵ مردادماه ۱۳۲۴) به دستور هری ترومن، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، بمب‌افکن آمریکایی B-۲۹ اولین بمب اتمی جهان را بر شهر هیروشیما ژاپن انداخت.

سه‌روز بعد نیز دومین بمب اتمی روی شهر ناکازاکی انداخته شد. در این دو عملیات، حدود ۲۲۰ هزار نفر شامل ۲۰ هزار نظامی ژاپنی و ۲۰۰ هزار شهروند غیرنظامی جان باختند. بیش از ۱۰۰ هزار نفر بلافاصله هنگام بمباران کشته شدند و بقیه تا پایان سال ۱۹۴۵ بر اثر اثرات مخرب تشعشعات رادیواکتیو جان خود را از دست دادند. هدف اصلی آمریکا از این حمله، به پایان رساندن سریع جنگ و عدم شراکت با شوروی در اشغال ژاپن بود زیرا شوروی مدتی پیش از بمباران اتمی، به ژاپن اعلام جنگ داده بود و به موازات ژاپن در منچوری حمله برده بود. هیروشیما، امپراتور ژاپن در یک سخنرانی رادیویی در ۱۵ آگوست با اشاره به قدرت ویرانگر بمب و به‌منظور حفظ نسل مردم کشورش، تسلیم‌شدن بی‌قیدوشرط ژاپن به متفقین را اعلام کرد. این دو بمباران هسته‌ای تا به‌امروز تنها موارد استفاده جنگی از سلاح هسته‌ای در جهان هستند.